

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب سوریه با گذشت هفت سال به کدام سو روان است؟!

(ترجمه)



انقلاب سوریه ششمین سال خود را با زخم‌های خونبار سپری کرده و دشمنانش تصور می‌کنند که این انقلاب پایان یافته است. اعمال دشمنانه در برابر انقلاب و بجا گذاشتن قربانی‌ها در طی 3 سال اخیر، دشمنان این انقلاب را خوشحال ساخت. آن‌ها گمان می‌کنند که کسی بر ای‌شان غلبه نخواهد کرد، اما نمی‌دانند که در سنت الله سبحانه و تعالی تغییر و تبدیل نمی‌آید. به گونه‌ی مثال: از فرعون با همه شأن و شوکت‌اش هیچ آثاری جز پند و عبرت برای صاحبان بصیرت نماند، اما موسی علیه السلام با نصرت پروردگارش جاویدانه ماند.

انقلاب سوریه از زخم‌های غوطه‌ی خویش رنج می‌برد، غوطه‌ای که نزدیک‌ترین نقطه‌ی مرکزی دمشق است. پس از آتش‌بس‌های ذلت‌باری که شهر دمشق را از محاصره‌ی انقلابیون کشید، دشمنان انقلاب تصمیم گرفتند تا آخرین حلقه‌ی این محاصره را نیز از بین ببرند. به این دلیل بعد از اخراج اهالی داریا، زبدانی، مضایا و قریه‌ی وادی بردی، دیدند که غوطه‌ی شرقی مانند خاری در حلقوم‌شان است و تصمیم گرفتند تا آن را نیز بکشند. به بهانه‌های واهی و دلایلی که فقط مورد توجه جنایتکاران جهان است، نخست روسیه و سپس امریکا با استخدام مزدورشان (بشار اسد) تصمیم گرفتند تا مجاهدین مسلمان غوطه را از آن‌جا دور ساخته، سپس حملات ظالمانه‌ی خود را زیر عنوان "جنگ علیه تروریسم" آغاز کردند. شورای امنیت در 24 فبروری، نشستی را دایر نمود تا به اتفاق آراء ادامه‌ی حملات وحشیانه‌ی روسیه در غوطه را مهر صحه بگذارند و تصمیم طوری گرفته شد که بعد از 30 روز حملات توقف پیدا کند؛ مگر به استثنای مناطقی که به گفته‌ی آن‌ها افراتیون هستند.

در مقابل، تصمیم اهل غوطه در مورد انقلاب و مقتضیات آن (دفاع از جان، ناموس و سرزمین‌شان) تغییر نکرده و به جهانیان درس ثبات و استقامت منحصر به فردشان، که برگرفته از ایمان به پروردگارشان است، نشان دادند؛ هرچند که در بین انقلابیون کسانی هستند که گوش به حرف دشمنان داده، هم صدا با آنها برادران مسلمان خود را به افراط‌گرایی محکوم می‌سازند و به این شکل قتل و کشتار جنایتکاران معجز هنوز ادامه داشته و هرگز توقف نمی‌یابد؛ زیرا هرکسی در برابر نظام بشار مجرم ایستادگی نماید، افراطی تلقی شده و به قتل می‌رسد.

با این همه، برای اهل غوطه دردآور نیست که نظام جنایتکار بشار با همکاری روسیه و دیگر هم‌پیمانانش بالای‌شان حمله برده و آنها را می‌کشند؛ چون از چنین نظام طاغوتی غیر از ظلم و جنایت چیزی دیگری انتظار نمی‌رود. اما چیزی که بر مسلمانان غوطه دردآور است، پشت خالی نمودن و صف‌شکنی جبهاتی بوده که با آنها درین انقلاب شریک هستند و حالا تسلیم دشمن شدند. این جبهات در حقیقت مانند جبهه جولان است که بیشتر از چهل سال در منطقه‌ی جولان از طرف نظام بشار زیر عنوان مبارزه با یهود سازمان داده شده که هرگز جامه‌ی عمل نپوشید. هم‌چنان در جنوب سوریه اکنون گروه‌های مخالف اسلام‌گرا با اخذ پول‌های سیاسی دست‌بند زده شده ساکت نشسته‌اند و جز سرگرمی دیگر کاری ندارند. به همین ترتیب، شمال غوطه و بعضی از مناطق "قلمون" هنوز تحت محاصره است، اما این گروه‌ها در انتظار اند که چه وقت از آنها حمایت شود تا دست به فعالیت زنند.

به همین شکل، حومه‌ی حمص شمالی، که تحت محاصره قرار گرفته، بعد از اخراج اهالی شهر حمص قبل از سه سال و سپس اخراج اهالی منطقه‌ی "وعر" قبل از یک سال، گروه‌های حومه‌ی حمص شمالی ذلیلانه به تصامیم ذلت‌بار آتش‌بس تن دادند؛ آتش‌بسی که نظام سوریه آن را شکست. اما بدون این‌که این گروه‌ها بدانند که آتش‌بس‌شان در مورد حومه‌ی شمالی آنها را نادم و پشیمان خواهد کرد که این ندامت و پشیمانی سودی نداشته و به سرنوشت همان ضرب‌المثل گاو سیاه مواجه خواهند شد؛ ضرب‌المثلی که گفتند: روزی گرگ، گاو سفید را می‌خورد؛ اما گاو سیاه عکس‌العملی نشان نداد و می‌گفت: گرگ گاو سیاه را می‌خورد و به من ربطی ندارد؛ روزی که تنها ماند و گرگ به خوردن آن شروع کرد؛ گفت: من همان روزی خورده شدم که گاو سفید خورده شد.

در مورد مناطق زیادی که تحت سیطره‌ی انقلابیون قرار دارد؛ از جمله: ادلب، حومه و حومه‌ی حلب غربی است. باید گفت که وابستگی انقلابیون هزینه‌ی بزرگ برای‌شان داشت و تأثیرات منفی بالای این مناطق گذاشت؛ چنان‌چه بعد از تسلط نظام سوریه بالای مناطق جنوب ادلب، انقلابیون دیگر نتوانستند که صفوف و هدف خود را یکی سازند و با حامیانی که در حقیقت این انقلابیون را در اسارت خود در آورده بودند، قطع رابطه نمایند. اما برعکس فعالیت‌شان زیر عنوان نجات غوطه به جنگ شعله‌وری در بین خودشان تبدیل گردید؛ آن‌هم پس از آن‌که ترکیه نظارتش را بر جبهات نظام بشار فعال ساخت؛ در حالی‌که شهر غوطه به زیر دود و باروت انواع سلاح‌ها سوخت و گروه‌های شمال سوریه در عوض نجات مردم غوطه، برای گرفتن مناطق آزاد شده از دست مجاهدین رقابت می‌کنند.

این جنگجویان یک‌تعداد ترک‌ها را داخل نمودند تا در نقاط متصرفه‌ی‌شان ثابت بمانند و یک‌تعداد دیگر نیز همراهی اردوی ترکیه به بهانه‌ی حفاظت از امنیت ملی ترکیه در عملیات موسوم به "شاخه‌ی زیتون" شرکت نمودند. این گروه‌ها نقش ترکیه را در کنار

امریکا در مورد پایان دادن به انقلاب سوریه فراموش کردند؛ امریکایی که نیروهای دموکراتیک سوریه را حمایت کرده تا پس از شکست داعش بر منطقه‌ی شرق سوریه تسلط پیدا کنند. پس ترکیه با شرکت‌اش در این عملیات در تثبیت نقاط مراقبتی که در کنفرانس "آستانه" به آن سپرده شده بود، می‌خواهد بر انقلاب مبارک سوریه خاتمه دهد؛ آن‌هم بعد از سرگرم شدن گروه‌های مخالف در جنگ ذات‌البینی خودشان، که دقیقاً این همان چیزی است که راه‌حل سیاسی امریکا را آماده می‌سازد.

با نظرگذرا بر واقعیت انقلاب سوریه در می‌یابیم که روسیه و ترکیه برای فراهم‌سازی حل و فصل انقلاب سوریه از طریق راه‌حل سیاسی امریکایی-چیزی که در ژنوا 1 طرح‌ریزی گردیده بود- تلاش می‌کنند و آن‌هم پایان دادن انقلاب سوریه از طریق تشکیل حکومت ائتلافی که مخالفین پراکنده‌ی سیکولر را همراهی نظامیان جمع کند، صرف‌نظر از این‌که بشار اسد در آن باقی بماند و یا از قدرت کنار زده شود. پس روسیه تمامی ظلم و شکنجه را برای سرکوبی و تضعیف نمودن اراده‌ی مردم مسلمان سوریه به کار انداخته و می‌خواهد تا خطر آن‌ها را از نظام حاکم دور سازد. ترکیه با گذاشتن سرمایه‌ی خود راه قتل و کشتار مسلمانان بی‌گناه سوریه را هموار ساخته و می‌خواهد مناطق از دست رفته‌ی این حکومت مجرم و جنایتکار را واپس برایش تسلیم دهد.

در زیر صدای مرمی‌ها و ویرانه‌های که نظام مجرم بشار به جا گذاشته صدای مظلومانه‌ی مردم سوریه باقی مانده و تمام این توطئه‌ها را رد می‌کنند که مردم مسلمان و مخلص اهل شام، هنوز بر انقلاب مبارک‌شان اصرار ورزیده و مصمم سرنگون کردن این رژیم جنایتکار هستند. حالا مردم با ایمان غوطه برای نظام مجرم سوریه و همکاران‌اش (روسیه و امریکا) ثابت ساختند که غوطه به هیچ‌وجه در برابر ظلم و وحشت آنان تن نداده و هرگز در برابر دشمنان‌شان سر تسلیمی را فرو نمی‌آورند. هم‌چنان در شمال سوریه بسیاری از مردم منطقه توانستند که محیط‌شان را از کشتار حفظ کرده، جنگ و درگیری را رد نمایند؛ چنان‌چه بر یاری رساندن غوطه با باز نمودن جبهات ساحل تلاش کردند. بناءً انقلاب مبارک شام مادامی که به فرمان الله سبحانه و تعالی پایبند باشد، هم‌چنان خاری در چشم دشمنان‌اش باقی خواهد ماند و مستحق نصرت الله سبحانه و تعالی خواهد بود. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

[محمد: 7]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر دین الله (سبحانه و تعالی) را یاری نمائید، الله (سبحانه و تعالی) شما را یاری می‌رساند.

نصرت الله سبحانه و تعالی وابسته به نصرت و یاری رساندن دین‌اش بوده و می‌طلبد که دین الله سبحانه و تعالی به عنوان راه‌حل سیاسی به عوض نظام جنایتکار بشار قرار گیرد. و این‌که رهبری انقلاب را برای گروه آگاهی بسپارند که این طرح بزرگ را حمل نموده و برای احیای آن در زندگی تلاش می‌ورزد و آن طرح بزرگ نظام خلافت راشده برمنهج نبوت می‌باشد که مسلمانان در سایه‌اش آرامش یافته و بشریت را از تنگنای زندگی در زیر چتر نظام سیاه سرمایه‌داری نجات خواهد داد.

نویسنده: منیر "ناصر"

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه سوریه

26 جمادى الآخر 1439 هـ.ق

14 مارچ 2018 م